

## فناوری

## جزئیات موشک جدید چین برای ارسال فضاوردان به فضا



به گفته یک دانشمند ارشد موشک، موشک نسل بعدی چین که برای حمل فضاوردان طراحی شده است، چند منظوره و تا حدی قابل استفاده مجدد خواهد بود. به گزارش ایسنا، «وانگ شیائوجن»، رئیس آکادمی فناوری پرتابگر چین که سازنده اصلی موشک‌های حامل این کشور است، طی یک جلسه بین المللی گفت که موشک جدید این کشور (که هنوز نامش فاش نشده است) دو مدل خواهد داشت. اولین مدل شامل یک تقویت کننده اصلی دو مرحله‌ای خواهد بود و برای انتقال فضاوردان یا محموله به ایستگاه فضایی تیانگونگ چین استفاده خواهد شد، در حالی که مدل دیگر دارای یک تقویت کننده

اصلی سه مرحله‌ای و چند تقویت کننده جانبی خواهد بود و وظیفه حمل فضاوردان به ماه را بر عهده خواهد داشت. اولین مدل قادر خواهد بود ۱۴ تن محموله را به مدار نزدیک زمین که ایستگاه تیانگونگ در آن در حرکت است، بفرستد. مدل دوم نیز قادر به حمل فضاییما با وزن حدود ۲۷ تن به مسیر انتقال زمین به ماه (دروازه‌ای برای فرود روی ماه) خواهد بود. وانگ افزود، دو مرحله اول تقویت‌کننده‌های اصلی آنها اساسا یکسان خواهد بود، در حالی که مرحله سوم تنها در موشک فرود ماه وجود خواهد داشت. مرحله اول این مدل‌ها قابل استفاده مجدد خواهند بود. مهندسان صنعت فضایی چین چندین سال است در تلاشند تا موشک‌های خود را قابل استفاده مجدد کنند و از طریق آزمایش‌های نمایش فناوری، پیشسرت قابل توجهی در این زمینه نیز داشته‌اند. جیانگ جی، طراح ارشد موشک در آکادمی وانگ و یکی از اعضای آکادمی علوم چین، گفت: تحقیق و توسعه نوع قابل استفاده مجدد موشک لانگ مارچ ۸ به خوبی پیش می‌رود. تاکنون تنها موشک قابل استفاده مجدد که وارد مرحله عملیاتی شده است، موشک فالکون هوی شرکت اسپیس ایکس است که اولین پرتاب خود را در فوریه ۲۰۱۸ انجام داد.

چین قصد دارد تا سال ۲۰۳۰ به قدرت اصلی فضایی تبدیل شود تا با رقبای خود از جمله ایالات متحده، روسیه و ژاپن فضای اروپا همگام شود و پیشرفته‌ترین ایستگاه فضایی را که به دور زمین می‌چرخد، ایجاد کند. هم اکنون سه فضاورد ماموریت شنژو-۱۳ چین در این ایستگاه فضایی حضور دارند. دو فضاورد مرد به نام‌های «ژای زیگنگ» و «ای گوانگفو» و یک زن به نام «وانگ یاپینگ» سه فضاورد ماموریت شنژو-۱۳ هستند. «وانگ» از اعضای ماموریت شنژو-۱۳ مادر یک دختر ۵ ساله و دومین زن فضاورد چینی است که در یک پرواز فضایی شرکت کرده است.

امسال نیز ۶ پرتاب برای تکمیل ایستگاه فضایی چین انجام خواهد گرفت. از جمله این ماموریت‌ها می‌توان به ارسال خدمه ماموریت «شنژو-۱۴» و شنژو-۱۵» به ایستگاه تیانگونگ، انتقال فضاییمای باری رباتیک تیانژو-۴ و ۵ به ایستگاه برای عملیات سوخت‌گیری و تامین مجدد و ارسال دو آزمایشگاه فضایی بزرگ برای اتصال به ایستگاه فضایی ایشا کره. اولین مورد از ۶ پرتاب برنامه‌ریزی شده، ماموریت تیانژو ۴ خواهد بود که پس از آن فضاییمای سرشنین‌دار شنژو-۱۴ به ایستگاه فضایی چین خواهد رفت. سپس دو آزمایشگاه برای تکمیل ایستگاه به فضا پرتاب خواهند شد. پنجمین عملیاتی که انجام خواهد شد، تیانژو-۵ و آخرین مورد نیز ماموریت شنژو-۱۵ خواهد بود.

## فیلم بازی

## دختری در تار عنکبوت



«دختری در تار عنکبوت» یک فیلم جنایی مهیج آمریکایی – سوئدی است که برپایه زمانی به همین نام نوشته روزنامه‌نگار سوئدی دیوید لاگرکراتنس و به کارگردانی فده آلوارز و نویسندگی مشترک آلوارز و استیون نایت ساخته شده‌است.

این فیلم به عنوان نسخه‌ای ازآرنااندازی شده با هنرپیشه‌هایی متفاوت، و دنباله فیلم دیوید فینچر تحت عنوان دختری با خالکوبی اژدها (۲۰۱۱) به شمار می‌رود و همچنین دومین قسمت در مجموعه فیلم‌های آمریکایی سه‌گانه میلینوم

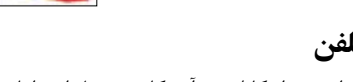
محسوب می‌شود. از بازیگران آن می‌توان به کلر فوی، در نقش لیسبت سالاندر و سوریر گودانسون، در نقش میکائیل بلومکوِست اشاره کرد.

دختری در تار عنکبوت توسط کلمبیا پیکچرز در تاریخ ۲۶ اکتبر ۲۰۱۸، در سوئد و ۹ نوامبر ۲۰۱۸ در ایالات متحده به روی پرده رفت.

پس از اولین اکران در جشنواره فیلم رم، این فیلم ۹ نوامبر در آمریکا و ۲۱ نوامبر در بریتانیا به روی پرده‌های سینما خواهد رفت.

در سال ۲۰۱۱، فیلم «دختری با خالکوبی اژدها» اثر «دیوید فینچر» توانسته بود با فروشی نزدیک به ۲۳۳ میلیون دلار در سرتاسر جهان روبرو شود که این ارقام برای فیلم «دختری در تار عنکبوت» کمی بزرگ بنظر می‌رسد. طرفداران فیلم «تاج‌ها» به خوبی بخاطر دارند که حضوری فوی نیز باعث افزایش درآمد فیلم نشد.

## چهره‌ها



## گراهام بل؛ مخترع تلفن

الکساندر گراهام بل مخترع، مبتکر و دانشمند اسکانلندی-آمریکایی بود. بل اختراعات زیادی داشته‌است اما شهرت او بیشتر به خاطر اختراع تلفن است. از دیگر اختراعات معروف وی می‌توان به فلزیاب اشاره کرد.

وی در ۳ مارس ۱۸۴۷ در شهر ادینبورگ در اسکانلند زاده شد. چندسالی به مدرسه نرفت ولی با همت خودش و تلاش خانواده هم در دوران ابتدایی و هم در دوران متوسطه شش‌گردد ممتازی بود. او تحصیلات کالج نداشت و از آنجا که پدر گراهام بل یعنی ملویل بل متخصص فیزیولوژی صدا، اصلاح گفتار و آموزش به ناشنوایان بود در همان دوران کودکی علاقه بل به شغل پدر در او پیدا شد و او تصمیم گرفت با شغل پدر امرار معاش کند.

درسال ۱۸۷۱ میلادی الکساندر گراهام بل که درآن هنگام ۲۴ ساله بود دو برادر خود را به خاطر سل از دست داد و او خود از بیماری جان سالم به در برد و در همان سال به همراه پدر و مادر خود راهی شهر برنتفورد در انتاریو کانادا شد. گراهام بل یکسال

در کانادا دوران نقاهت خود را سپری کرد.

در همان سال الکساندر راهی ایالات متحده شد چون نامه‌ای از خانم سارا فولر، مدیر آموزشگاه ناشنویان بوستون دریافت کرد که درآن نامه از او خواسته شده بود که شغل معلمی در آن آموزشگاه را بپذیرد و از آن پس، بل هر روز به کلاس درس می‌رفت و روشهایی را که از پدر خود برای آموزش ناشنویان یادگرفته بود به کار می‌بست. او در پایان روز آزمایش ارتعاش را با دیابازنهای خود ازسر می‌گرفت، او دیابازنهای خود را در اتاق خواب گذاشته بود و برروی آنها کار می کرد و معتقد بود که مسئله ارتعاش مجهولات زیادی دارد و در این زمینه به مطالعه یکی از کتابهای مشهور هلموتز، فیزیکیدان نامی آلمانی، به نام تئوری وظایف اعضاء مینبی بر مطالعه احساسات شنوایی پرداخت و در همین زمان یعنی در دهه هفتاد او در کارگاه

برق چارلز ویلیامز که مرجع بسیاری از مخترعان بود با توماس واتسون آشنا شد.

آشنایی بل با واتسون به این صورت بود که بل روزی در حالیکه تلگراف هارمونیک را در دست داشت، ملاقات نمود و با او در زمینه بهتر کارکردن دیابازنها و فرستادن چند پیام در آن واحد با یک رشته سیم صحبت کرد. بل از واتسون خواست که او را در ساختن یک دستگاه یاری نماید و واتسون هم قول داد تا آنها که بتوانند به آنها یاری برسانند. از آن پس الکساندر و واتسون به آزمایش تلگراف هارمونیک دست زدند و آزمایشهای آنها پس از تعطیلی کارگاه آغاز می‌شد و آنها تا سرتاسر بهار سال بعد با هم کار کردند. الکساندر و واتسون برابر هم، هریک در سویی از اتاق ایستاده بودند. سیم درازی دو دستگاه را بهم وصل می‌کرد، الکساندر گاه بگاه یک دیابازن برمی‌داشت و به گوشش می‌چسباند. سپس آن را بر جایش می‌گذاشت و کمی تنظیم می‌کرد و آزمایش را از سر می‌گرفت. آنها به درستی نظریه خود آگاه بودند اما روش به کار بستنتر را نمی‌دانستند. نخست نتایجی را بدقت موزون می‌کردند و یا سیم می‌فرستادند اما هنگام دریافت آنها را درهم می‌یافتند. بل در همین هنگام پس از آزمایشهای زیاد، تأمید شد و درهمین هنگام جرقه تولید و ساخت تلفن در مغز او زده شد او طرح خود را به واتسون توضیح داد و پس از مشورت، آنها به این نتیجه رسیدند که ساخت تلفن به هزینه زیادی احتیاج دارد و ساختن حتی یک نمونه هم از استطاعت مالی آنها به دور است. پس از یکی دو روز بل به خود جرات داد به دیدن آقای هبرد و آقای ساندرز که هر دو آنها از سرمایه داران بوستون بودند برود تا از آنها پشتیبانی بکنند اما آنها استقبال چندانی از بل نکردند و به او پیشنهاد کردند که مشخصات تلگراف خود را به واشینگتن ببرد و آنرا در اداره اختراعات ایالات متحده ثبت کند. او رهسپار واشینگتن شد و بل اختراع خود را ثبت کرد.

## طرح روز



@faraji.artist

پوتین در باتلاق اوکراین

## پیشنهاد

جواد لگزیان

### درد

«در هنگامه ی بروز غم چاره ای جز حرف زدن نیست»

در این شش داستان دوراس از جنگ حرف میزند.در اولین داستان زنی منتظر شوهرش است تا از جنگ برگردد و این انتظار به زیبایی توصیف میشود اما …

«جلو شو مینه، تلفن دم دستم است. سمت راست، دری که به سالن و راهرو باز می‌شود؛ و در انتهای راهرو، در ورودی. او ممکن است یکراست بیاید و زنگ ورودی را بزند. «کی است؟» و بگوید «منم.» و یا به محض ورود به دایره تازریت تلفن بکند: «من برگشته‌ام، و حالا برای انجام برخی تشریفات در هتل لوتسیا هستم.» از علاقمی هم که نشانه ورودش باشد خبری نیست. ممکن است تلفن کند، یا سرزده برسد. احتمال همین چیزها می‌رود. به هر جهت می‌آید. او یک مورد استثناء نیست. دلیل خاصی وجود ندارد که نیاید، برای آمدنش هم همین‌طور. امکان آمدنش هست، زنگ خواهد زد. «کی است؟». «منم.» «درد» مجموعه داستانی است از مارگریت دوراس با ترجمه ی قاسم روبین که در ۱۹۲ صفحه و توسط انتشارات اختران به چاپ رسیده است.

## موش کور

«فقط می‌دانم باید نگذارم که بیشتر از این فرو بروم در سایه‌ی نگذارم تا فراموش شوم. مثل تو که فراموش شده‌ای.تو را فراموش کردند.فراموش می‌کنیم.حتا اگر نخواهی که فراموش شوی.حتا اگر فراموشی را همبای سکوت باور نداشته باشی…»

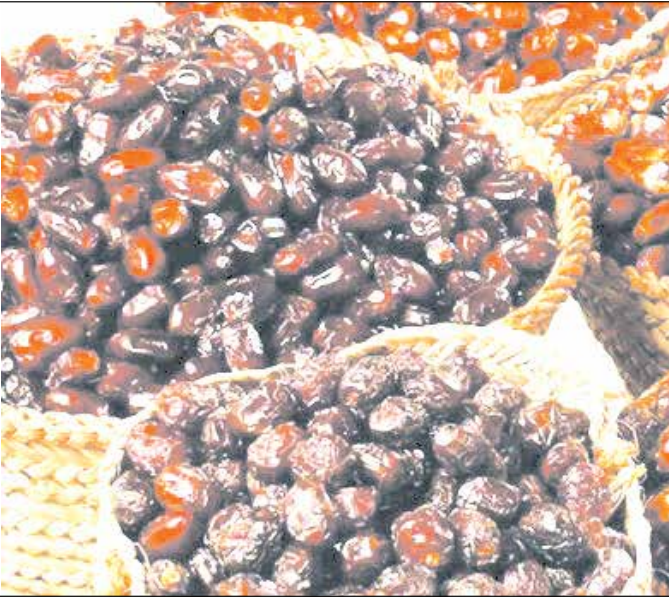
محمدهدلی سجادی در این کتاب روایت خودکشی مگمین دوستی را روایت میکند: روزی برادرم مصطفی گفت دوستی دارد اهل شیراز که عاشق سینما و ادبیات است و علاقه‌مند است تو را ببیند، استقبال کردم. آمد. شدیم رفیق، نه البته گرمابه و گلستانی، ولی بودیم. گلهگاهی می‌دیدمش. او شروع کرد به نوشتن نقد در مجلات سینمایی. می‌دیدیم و می‌گفتم و خیلی جلاها هم با یکدیگر هم نظر نبودیم و بودیم. تا اینکه روزی مصطفی خبر مرگ او را داد. مسعود بهاری و مرگ خودخواسته‌اش انگیزه نوشتن این رمان شد. فصل اول را در تابستان ۷۸ نوشتم که یک داستان کامل می‌نمود. با بازنگری تابستان ۸۹ دیدم دوباره دارم می‌نویسمش، پس نوشتم و نوشتم شدم.

چنین بود که فصل دوم هم نوشته شد. …

«موش کور» نوشته محمدهلی سجادی کتابی است که از سوی نشر «اختران» در ۲۶۷ صفحه و با شمارگان هزار نسخه و با قیمت ۱۸۵۰۰ تومان منتشر شده است.

## دانستی‌ها

## در مصرف خرما افراط نکند



بسیاری از افراد عادت دارند هنگام خوردن جای یا برای تجدید قوای روزانه خود از خرما استفاده کنند. اما افراط در مصرف خرما می‌تواند عوارض خطرناک برای بدن داشته باشد.

مصرف خرما به شکل افراطی می‌تواند عوارض منفی برای بدن داشته باشد اما چگونه؟
\_ یکی از عوارض رایج و اصلی مصرف بیش از حد خرما افزایش قند خون است.

\_ مشکلات گوارشی یا به اصطلاح عامیانه به هم ریختن معده یکی از بدترین عوارض افراط در مصرف خرما است.

\_ برخی از افراد پس از مصرف زیاد خرما علائم آلرژیک نشان می‌دهند.

\_ اگر رژیم لاغری دارید، جالب است بدانید که مصرف بیش از حد خرما مانع از لاغری شما می‌شود.

\_ افراط در مصرف خرما می‌تواند منجر به اسهال و استفراغ شود.

به‌طور کلی سعی کنید خرما را از مراکز معتبر تهیه کنید تا خرمای ترشیده، فاسد یا مانده نخردید. افزودن بر این سعی کنید همیشه خرما را شسته و سپس میل کنید، گاهی به علت غلظت شیره برخی انواع خرما، آلودگی و گرد و غبار جذب خرما می‌شود و نیاز به شستشو دارد.

مصرف خرما همراه با گردو یا پودر نارگیل بسیار مقوی است اما سعی کنید در مصرف این مواد با هم افراط نکنید چرا که احتمال بروز جوش‌های پوستی یا مشکلات آلرژیک را به همراه دارد.

برخی از افراد با مصرف بیش از حد خرما دچار حالت حمله آسم می‌شوند بنابراین اگر سابقه آسم دارید با احتیاط خرما بخورید.

# مردم سالاری

## روزنامه اجتماع – سیاسه – فرهنگ وارتصلا

صاحب امتیاز: حزب مردم سالاری
مدیرمسئول:مصطفی کواکبیان
نشانی‌انترنتی:www.mardomsalari.net
نشانی پانگرم:mardomsalari.net
نشانی اینترنتیگرام:1:mardomsalari.net
آدرس تحریریه:توپان شیخ‌فصل‌الله نوری شمال به جنوب
خروجی خیابان سازمان آب – خیابان حاجی‌پور امیر – کوچه چاره‌ده – پلاک ۱
تلفن: ۲۹-۸۸۲۸۲۲۶
فکس: ۸۸۲۳۲۰۹۴
رتبه روزنامه: ۳
چاپ: نشر رحمان – تلفن: ۶۵۶۰۷۹۱۷

اتان صبح: ۵/۹ طلوع آفتاب: ۶:۳۴ اتان ظهر: ۱۳:۱۷ اتان مغرب: ۱۸:۱۷
پنجشنبه ۱۲ آفندد ۱۴۰۰- ۲۹ رجب ۱۴۴۴ – ۲۰۲۲ شماره ۵۶۸۸

## داستان هفته

## مردی و عروسک‌هایش

علی یار زاری

به عروسک‌ها نگاه کرد؛ به عروسک‌ها که ثابت و بی‌حرکت برابرش ایستاده بودند. دلش می‌خواست عروسک‌ها جان داشتند و می‌توانستند حرکت کنند تا با آنها حرف بزند و از راه رفتنشان، از حرف زدنشان لذت ببرد و غرق شور و شادی شود اما حالا عروسک‌هایی بی‌جان برابرش بودند که مجبور بود با دست تکانشان بدهد و به جایشان حرف بزند. گاه برایشان داستان‌سازی می‌کرد. داستان‌ها، گاهی شاد و نشاط‌آور بودند و گاهی تاترانگیز: وقتی به عروسک‌ها حرف می‌زد، وقتی از داستان زندگی‌شان می‌گفت، آن‌چنان در رویاهای خود غرق می‌شد که همه چیز و همه کس را فراموش می‌کرد. فارغ از همه گرفتاری‌های زندگی و همه غم‌ها و غصه‌ها. گویی در دنیای دیگری بود یا آدم‌های دیگر. عروسک‌ها را خودش درست می‌کرد، با مواد مختلف، با آن‌چه دم دستش بود بیشتر از پارچه و بعد نخ، کاموا و گاهی چوب. بعضی ازعروسک‌ها را با نخ می‌چنیدند و برخی را مثل دستکش می‌ساخت طوری که جایی برای دست خودش باشد تا با حرکت دادن انگشتان آنها را بچنابند. از بیجگی از عروسک خوشش می‌آمد. اولین بار در جشنی عروسک دیده بود عروسک‌هایی که حرکت می‌کردند و حرف می‌زدند و او در ذهن کودکانه‌اش با خود می‌اندیشید که این عروسک‌های بی‌جان چطور حرکت می‌کنند و چطور حرف می‌زنند؟ بعدها از این و آن پرسید و دانست که کسان دیگری تکان‌شان می‌دهند و به جایشان حرف می‌زنند.اوایل کار از بازار عروسک‌ها می‌خرید، اما وقتی طرز عروسک‌سازی را یاد گرفت عروسک‌ها را با میل و سلیقه خودش می‌ساخت.

یاد گرفت که به جای هر عروسک با صدای مخصوص خودش حرف بزند. وقتی غم و اندوه به دلش هجوم می‌آورد، آن‌گاه که در چنینه مشکلات زندگی اسیر می‌شد، برای رهایی از غم و اندوه به اتاق عروسک‌ها می‌رفت و ساعتی با آن‌ها در تهنه‌ای حرف می‌زد و حالا بازنشسته بود رو به روی آنها. یکی، یکی به همه آن‌ها نگاه کرد، مانند دستکشی عروسکی را به دست گرفت ولی هنوز کلامی نگفته بود، هنوز حرفی نزده بود که روشناسی باریکی هجوم‌برنده، با شتاب به همه جا نور پاشید. سر که برگرداند همسروش را دید. با لحنی معترضانه –«مرد بیا به کار و زندگی‌ت برس. چیه دو ساعته داری با این عروسک‌ها حرف می‌زنی؟» «حالش دگرگون شد. از دنیای شیرین خیال بیرون آمده بود. از محفل انس با موجوداتی که خود ساخته بود، موجوداتی بی‌آزار و دوست‌داشتنی.

گفت: – «خانم چی شده؟ من تازه می‌خواستم با این‌ها حرف بزنم که اومدی و نگذاشتی.»

زن گفت: – «آخه مرد قیاحت داره یه مرد بزرگ بشینه با چار تا عروسک حرف بزنه. یکی بیاد بشینه نمیشه این مرد دیوونه شده؟»

دلش گرفت. انگار همه غم‌های دنیا را چون باری سنگین بر روی دوشش گذاشته بودند. حرف زدن با عروسک‌ها برای او لذت دیگری داشت. او در کنار عروسک‌ها خودش را در دنیای دیگری می‌دید آن چه برای دیگران قابل تصور نبود.

گفت: – «باشه خانم چند دقیقه دیگه میام.»

زن که رفت عروسک دستکشی را از دستش بیرون آورد. حال و حوصله نداشت. از دنیای شیرین خود بیرون آمده بود. دنیای آرام و خیال انگیز، مانند طوفانی که آرامش دریا را به هم بزند و امواج سهمگین از دل آن برخیزد همان طور شده بود.

از اتاق که بیرون آمد همسروش گفت: –«دوست اومده، دم دره کارت داره.»

با دوشش در دوران دانش‌آموزی آشنا شده بود و حالا پس از گذشت سال‌ها هنوز دوست بودند. او را که دید با لبخند گفت: «چرا دم در وایسادی نیومدی داخل؟»

دوستش خندید:

–«سه باید بزم کار دارم. خالمت هم تعارف کرد اما من باید زودتر برم.»

پرسید: – «حتما با من کاری داری اومدی بگی و بری.»

دوستش لبخند به لب گفت:

– «می‌نوستم بهت زنگ زنم اما ترجیح دادم خودم پیام بهت بگم.»

با تعجب، کنجکاوانه پرسید:

– «خب قضیه چیه؟»

دوستش گفت: – «دوستی دارم که کارگردان کارهای عروسکیه. هم صحنه‌ای کار می‌کنه، هم برای تلویزیون. دیروز دیدمش دنبال یک عروسک‌گردان خوب می‌گرده. من تو رو معرفی کردم. گفتم این دوست من هم عروسک گردانه هم خودش به جای عروسک‌ها حرف می‌زنه. شماره‌ت رو بهش دادم. همین روزها بهت زنگ می‌زنه.»

دوستش که رفت همسروش با دیدن چهره خندانش پرسید:

–«خوشحالی، مگه چی شده خبر خوبی بهت داده شد؟»

لبخند به لب گفت: – «خانم همیشه می‌گفتی آگه مردم تو رو ببینن میگن دیوونه شدی اما حالا به کارگردان پیدا شده که از دیوونه‌بازی‌های من خوشش اومده و می‌خواد از هنر من استفاده کنه.»

و بعد سر از پا نشناخته رفت به طرف اتاق عروسک‌ها …

## آگهی مناقصه عمومی

**شهرداری گرمدره** در نظر دارد نسبت به اجرای پروژه با مشخصات ذیل از طریق پیمانکاران واجد صلاحیت اقدام نماید.

نوع و میزان خدمات یا کالا	میزان اعتبار	تضمین شرکت در مناقصه (ریال)	گواهینامه صلاحیت	مدت
مناقصه عمومی یک مرحله‌ای، احداث ساختمان آتش نشانی شماره ۲	۶۰۰۰۰۰۰۰۰/۰۰۰-	۳۰۰۰۰۰۰۰۰/۰۰۰	حداقل گرید ۵ اینچه	۱۰ ماه

– مهلت و قبول و محل پیشنهادات (اسناد مناقصه):مناقضیان پیشنهاد می‌توانند

از تاریخ انتشار آگهی (۱۴۰۰/۱۲/۱۲) تا تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۸ ساعت ۱۲ جهت دریافت اسناد مناقصه به سامانه تدارکات الکترونیک دولت (setadiran.ir) مراجعه نمایند.
– مناقضی پیشنهاد (مناقصه‌گر) می‌بایست، سبرده مذکور را به صورت ضمانتنامه بانکی و یا فیش واریزی به حساب جاری شماره ۰۳-۲۵۰۰۰۹۳۷۶۰۴۲-۴۶۱۵ در نام شهرداری گرمدره نزد بانک سپه (انصار سابق) شعبه شهید غفاری کد ۴۶۱۵، در پاکت «الف» قرار داده و تا ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۸ ضمن تحویل به دبیرخانه شهرداری گرمدره از



## آگهی مناقصه عمومی

**شهرداری گرمدره** در نظر دارد نسبت به اجرای پروژه با مشخصات ذیل از طریق پیمانکاران واجد صلاحیت اقدام نماید.

نوع و میزان خدمات یا کالا	میزان اعتبار	تضمین شرکت در مناقصه (ریال)	گواهینامه صلاحیت	مدت
مناقصه عمومی یک مرحله‌ای، ساخت و نصب بل عابر پیاده مکانیزه (دارای آسانسور)	۶۵۰۰۰۰۰۰۰/۰۰۰-	۳۲۵۰۰۰۰۰۰/۰۰۰	حداقل گرید ۵ اینچه یا راه	۱ ماه

– مهلت و قبول و محل پیشنهادات (اسناد مناقصه):مناقضیان پیشنهاد می‌توانند

از تاریخ انتشار آگهی (۱۴۰۰/۱۲/۱۲) تا تاریخ ۱۴۰۰/۱۲/۱۸ ساعت ۱۲ جهت دریافت اسناد مناقصه به سامانه تدارکات الکترونیک دولت (setadiran.ir) مراجعه نمایند.
– مناقضی پیشنهاد (مناقصه‌گر) می‌بایست، سبرده مذکور را به صورت ضمانتنامه بانکی و یا فیش واریزی به حساب جاری شماره ۰۳-۲۵۰۰۰۹۳۷۶۰۴۲-۴۶۱۵ در نام شهرداری گرمدره نزد بانک سپه (انصار سابق) شعبه شهید غفاری کد ۴۶۱۵، در پاکت «الف» قرار داده و تا ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۰/۱۲/۲۸ ضمن تحویل به دبیرخانه شهرداری گرمدره از



**مهرداد سلاطی- سرپرست شهرداری گرمدره**

**مهرداد سلاطی – سرپرست شهرداری گرمدره**